117

همه٬ کمبغلان جهان یکشوید!

ازکتبخانه٬ حفظالصحت.

دوکتور واننانخ

نغزك

Bail

مترجم عبدالواحد برهانوف (منظم).

—

نشریات دولتی٫ تاجیکستان

سمرقند — دوشنبه

1927

کتابهای تاجیکی

از طرف نشریات دولتی تاجیکستان چاپ شده بهمهٔ مغازینهای سیریدآزکنیگ بفروش گذاشته شده است.

نمره	نام کتابها	چاپ چندم	جلد چندم	مؤلفش	ترجمه‌کی	قیمتش صوم	قیمتش تین	ملاحظات
	I کتابهای درسی							
1	صرف نحو زبان تاجیکی	II	—	سید رضا	—	—	60	چاپ شده است
2	دستور عملی (صرف برای صنف II ابتدائی)	I	I	و. محمودی	—	1	—	”
3	نباتات	I	—	سوخیروا	—	—	—	”
4	جغرافیای آسیا	I	—	ایواناف	اسماعیل‌زاده	1	—	”
5	انسان (وضعیت بدن آدم)	I	—	مناف زاده	—	—	70	”
6	دبستان تاجیك (الفبا)	I	—	سید رضا	—	—	45	”
7	کلید دانش (قرائت I)	I	I	مناف زاده	—	1	—	امسال این کتابرا برای
8	حساب	I	I	کره‌تسیپیانسکی	جباری	—	30	صنف II مکتب ابتدائی
9	مصاحبه دربارهٔ فیزیك	I	—	کاساناگاف	بیکتاش	—	—	تعین شده است
10	آموزش (کتاب قرائت)	I	I	محمودی ذهنی	—	—	—	چاپ شده است
11	آموزش ”	I	III	”	—	—	—	بزودی چاپ میشود
12	جغرافیای ابتدائی	I	—	ایواناف	ابوسعید زاده	—	—	”
13	جغرافیای آفریکه، آمریکه، اوستر الیا	I	—	”	سید رضا	—	—	”
14	جغرافیای آوروپا	I	—	”	ع. عرفان	—	—	”
15	مسئله‌های حساب	I	II	کره‌تسیپیانسکی	اویغور	—	—	”
16	”	I	III	”	”	—	—	”
17	”	I	IV	لانکاف	علی زاده	—	—	”
18	هندسهٔ ابتدائی	I	I	گاوون	کبیر	—	—	”
19	الفبای آسان (برای بچه‌گان)	I	—	مظهر برهانی	—	—	—	”
20	جغرافیای س. س. س. ر.	I	—	ایواناف	ع. عرفان	—	—	چاپ شده است

کمبغلان همهٔ جهان یکشوید!

Yannakh, E. F.

ازکتبخانهٔ حفظ الصحت.

دوکتور ونناخ

نغزك

ترجمه کننده: عبدالواحد برهانزاده (منظم).

نشریات دولتیٔ تاجیکستان.
سمرقند - دوشنبه
1927

۱

پهن شدن «نغزك» درمیانهٔ آدمان.

نغزك؛ کسلی‌است بسیار و زنین، هم میگذشته‌گی. کسیکه به‌این کسل گرفتار میشود؛ اولا-تب بلند میکند. پس ازان بربالای پوست بدنش دانه‌چه‌های نغزك میبراید.

ازکتابهای زمان پیش؛ دانسته میشودکه: کسل نغزك؛ درمیانهٔ آدمان هزارها سال باز: بوده است.

تخمینا دو صدسال پیش ازین؛ کسل نغزك بسیار زور شده به یك رنگ بمیناکی درامده بوده‌است. زیراکه بسیار کسان ازاین کسل میمردند. دران زمان هر سالی درروسیه؛ نیم میلیون کسان ازاین کسل میمردند. (شمارهٔ همهٔ اهالیٔ ولایت سمرقند؛ به نیم میلیون میرسد. گویا درروسیه؛ ازشومیٔ این کسل نغزك؛ هر سال یك ولایت سمرقند برین جای؛ بی آدم و خراب مبشده‌است).

سال ۱۷۰۷ میلادی؛ درشمالیٔ مملکت «ئیسلەندیە»؛ پنجاه هزار نفر آدم؛ زندگانی داشتەاند. همانسال درمیانهٔ آنها کسل نغزك پیدا شده نیمهٔ همین پنجاه هزار نفر آدم مردەاند.

دران زمان؛ برای این کسل؛ دوایی نبود. مردمان نمیدانستندکه خودرا ازپنجهٔ این کسل؛ چگونه رهانند. ازاین رو؛ بسیار کسان بەاین کسل گرفتار شده میمردند.

تخمیناً یکصد سال پیش ازین؛ جنیز «نام یك دوکتور انگلیز؛ برای این کسل؛ یك دوا یافته است ما؛ تا امروز همین دوا را بکار میبریم. نام این دوا را؛ «نغزك کاری» میگویند. ما؛ درین باره باز روشنتر؛ بیان میکنیم:

پس ازانکه مردمان؛ به مدد «نغزك کاری؛ نیست شدن این کسل‌را دیدند؛ برای شایع کردن این دوا درمیانه همه کوشش کردند بجایی رسیدکه حاکمان مملکت‌ها: «بایدکه هرکس؛ بخودش و فرزندش نغزك بکارد گفته فرمانها براوردند. و هچ کسی‌را نگذاشتندکه این فرمانرا فرو گذاشته کند.

سال ۱۸۷٤ میلادی؛ درگرمانیه همچنین یك فرمان براورده شد. بەاین سبب درآنجا کسلیٔ نغزك

روی بکمی نهاد. اینزمان همهٔ مردمان مملکت گرمانیه؛ برای اینکه بخودشان نغزك کاریده‌اند؛ به این کسل؛ هیچ دو چار نمیشوند.

لیکن در روسیه؛ این کسل؛ هنوز هم بسیاراست. هر سال هشتاد هزار آدم؛ بهمین کسل میمیرد. این، ازبرای همین است‌که امروز درروسیه؛ همهٔ مردمان بخودشان و فرزندانشان نغزك نمیکارند.

II

کسل نغزك بکس چگونه میگذرد؟

هر آدمی‌که کسل نغزك شده‌است؛ به بدن او آبله‌های ریمناك پیدا میشود. و آنها کفیده، چرك و ریمها برامده، بجای خود خشك میگردد. علم وفن، نشان میدهد که دردرون همین چرك و ریم؛ چیزی هست‌که کسلی‌را بکس دیگر میگذراند. (آنچیزرا میکروب میگویند)

چیزهایی‌که با آدم بیمار دریکجااست؛ مانند کورپه و بالین جایخواب، جامه و کمزول و دیگر چیزهای پوشاك، کاسه و طبق و دیگر ظرفهای خوراك برین چیزها میباشد. کسیکه بهمین چیزهای آدم بیمار

نزدیك شود و یکی ازین چیزهارا بخودش کار فرماید؛ شك نیست‌که کسلیٔ آن بیمار به‌این کس میگذرد. و به‌زودی دربستر بیماری میخواباند. تنها کسیکه نغزك کاریده‌گی باشد؛ کسل آدم نغزکدار؛ به آنکس نمیگذرد.

درخانه‌ئی‌که بیمار نغزك خوابیده باشد؛ پلاس‌ها و لباسها و دیگر چیزهایی‌که درآنخانه‌است؛ بهمهٔ آنها کسل آن بیمار گذشته‌گی میباشد. از آنچیزها نیز گذشتن کسل بهر کس ممکن است.

چز میگذشته‌گیٔ (میکروب) کسل؛ بچیزها چگونه میگذرد؟ گفته بودیم‌که به‌بدن کسل؛ چرك و ریمها پیدا میشود، و بخارش میدراید. معلوم است‌که آدم کسل؛ با دستهای خود بدنش‌را میخارد، و بهمین دست؛ چیزهارا نیز میگیرد. ازین‌راه؛ بچیزهایی‌که دردورش هست؛ کسلیٔ خودرا میگذراند. همچنین به کورپه و بالینی‌که درجایخوابش هست؛ کسلش‌را میگذراند. گربه و سگ برین حیوانهایی‌که به بیمار؛ نزدیك شوند، و بچیزهای اوبرسند؛ به آنها نیز کسل بیمار میگذرد. کسیکه بهمین کسل بمیرد؛ ازجسد مردهٔ آن نیزگذشتن این کسل، ممکن‌است.

نغزك همچنانیکه به‌بدن میبراید؛ دردرون دهان و بینی و دیگر عضوهای درونی نیز میبراید.

از سرفه کردن بیمار؛ به بلغم او، بکسانیکه درنزداو؛ باشند، و بهوا نیز کسل او میگذرد. ازین‌رو؛ درخانه ئی‌که بیمار نغزکدار خوابیده‌است؛ چیزهای آنخانه؛ همچنانیکه کسلی را به‌کس میگذراند؛ هوای آنخانه هم میگذراند.

چرك ریمهایی که به‌بدن نغزکدار خشك میشود؛ اگر پاره‌های آن به‌اعضای دیگر کسی برسد؛ ازین هم کسلیٔ آن میگذرد.

به‌واسطهٔ پشه وکیك برین حیوانهای خورد ریزه هم؛ این کسل گذشتن دارد. چنانچه کیك؛ یکجای بدن نغزکداررا میگزد، دهانش‌را آلوده میکند. پس یکجای بدن کس دیگری‌را میگزد. بهمین‌راه کسلی‌را میگذراند.

مگس برین پرنده‌ها؛ بربالای چرك وریم نغزك نشسته، پایها و دهانهای خودرا آلوده کرده میپرند. وبربالای کسان دیگر. وچیزهای دیگر نشسته کسلی‌را میگذرانند.

این کسل؛ بیشتر درهنگام زمستان میشود. درتابستان کمتر پیدا میگردد. درزمستان؛ از بسکه

دریکخانه؛ چند آدم زیست میکنند. درچنین زمانها کسل‌را بهمدیگر بسیار میگذرانند.

درحبس خانه‌های پرآدم، و مسافر خانه‌ها برین جایها؛ این کسل؛ به‌زودی بسیار میشود.

III

بیان کسل نغزك

کسل نغزك گذشتن همان، کس بیمار نمیشود. ولی پس ازده‌روز یا چهارده‌روز؛ یکباره تب میکند. پس ازان؛ سه روز یا چهار روز که میگذرد؛ به‌بدنش دانه‌چه‌های خورد وریزه نمایان میشود. پس ازاندك وقت ازینها چرك و ریم میبراید. به‌اندك زمانی اینها خشك میشوند، وشوخ مینبدند، پس ازان این شوخها افتاده جایهای آن؛ چقور چقور شده میماند. کسیکه آدم نغزك براورده‌گی‌را دیده است؛ میداند که آنها پرزده‌رو .میشوند.

نغزك اولا بروی، دهان، تن؛ گاها درهمهٔ عضوها؛ میبراید. کسیکه نغزك برارد؛ سرش، میانش درد سخت میکند، وخودش‌را بسیار سست درمییابد.

گاها نغزك؛ دردهان، گلو، و چشم هم میشود. گاها همهٔ بدن‌را فرو گرفته، چرك وریم نموده بسیار عذاب میدهد. بقدریکه زخم نغزك بسیار شود؛ کسلی هم آنقدر سخت میگردد. پوست سر و بدن بسیار؛ خارش میکند. بیمار؛ بسیار بیطاقت شده هرجایش‌را خاریده آزار ناك مینماید. چشمهای بیماز سرخ میشود. پوست خانهٔ چشم؛ ورم‌میکند. درجایخواب؛ وقت جنبش اعضایش‌را درمیگرد. نغزکهای درون دهانش خوراك خوردن نمیمانند. چیزیکه بدهانش گیرد؛ نغزکها درد میکند. ازدهانش بوی بد می‌آید. آبله‌های نغزك تا بگلو میرسد. سخن‌گفتن‌بسیار دشوار میشود. آوازش میگیرد. از همهٔ نغزکهایش بوی بد پیدا میشود.

عذابهای نغزك؛ بعضی ازبیماران خودرا بیهوش میکند. آنها مانند آنکه خواب می‌بیند، سغسطه گویی میکنند.

گاها تمام بدن بیماررا نغزك وچرکهای آن فرو میگیرد. احوال بیمار؛ بسیار وزنین و بمیناك میشود. درچنین زمانها درروی بیمار یکجای درست دیده نمیشود. یك نمود بسیار بدی پیدا میکند.

تب‌های این رنگ بیماری؛ بسیار زور میشود. دردهاییکه برسر، ومیان پیدا میگردد؛ طاقت کردن ممکن نیست. دل بیمار ازدردهای نغزك زیاده بیتاب وتوان میگردد. بسیار وقت‌ها میشودکه پس از یکده روز میمیرد.

ازین گونه نغزکهای وزنین؛ از ده نفر ۲ یا سه نفر بزور؛ رهایی مییابند.

پیدا شدن چیزهای سیاه به بدن بیمار نغزك؛ بسیار بدمیشود. این خیل نغزك‌را نغزك سیاه میگویند که گرفتارانش هر وقت میمیرند.

کسانیکه ازکسل نغزك رهایی یافته باشند هم؛ مانند آدمان تندرست زندگانی کرده نمیتوانند. بلکه عمر خودرا به بیکیفی، وبیدماغی میگذرانند. چندی؛ ازتهٔ کسل نغزك کور شده میبرایند. دردرون چشم هر کسکه نغزك براید؛ ازتهٔ آن کسل؛ کور برمیخزد.

آدمی که نغزك براورده است؛ پس ازکسلی؛ دلش سست میشود. بکار؛ کار نمی‌آید. بسیار کار کردن، دویدن، چیز وزنین برداشتن ممکن نمیگردد.

درجگر برخی آدمان نغزك براورده‌گی هم این سستی پیدا میشود.

بیشترین کسانی که نغزك براورده اند؛ برویشان چقورچه‌ها پیدا شده یکعمر قوتور میمانند.

ازکسل نغزك؛ کس بسیار میمیرد. ازهر صدی بیست تا بیست پنج خواهد مرد. آنانیکه نغزکشان وزنین تراست؛ ازهر صدی هشتاد میمیرند. گرفتاران نغزك سیاه همه‌گی خواهند مرد.

همینش خوب است که آدمان نغزك کاریده‌گی دو باره به‌این کسل؛ گرفتار نمیشوند. اگر شوند هم؛ سبکتر کسل شده، نامرده، به‌زودی تندرست میشوند. این هم دانسته شده است که؛ آدمی در عمرش یکبار نغزك میبرارد.

۱۷

کسیکه نغزك براورد؛ باید به اوچگونه نگاه کرد؟ و چگونه درمان باید نمود؟ نغزك‌را بزودی نیست میکرده‌گی دارو؛ تا به‌ایندم یافت نشده است. اما دردها اورا سبك میکرده‌گی داروها هست.

بیمار نغزك‌را باید بدوکتورخانه برده خوابانند. چونکه درآنجا پرستاران (نگاه بین میکرده‌گی) بیمار؛ بسیارند. بخوبی نگهبانی میکنند.

اگر بیمار نغزک‌را درخانه بگذارند؛ بایدکه زود به دکتور نشان دهند. اگر دکتور نباشد؛ به فیلدشر طبابت کنانند. دکتور یا فیلدشر کسی است که از علم طب کمی وقوف دارد اما شهادتنامه دکتوری نا گرفته‌گی است) بیماررا دیده؛ چگونه نگهبانی کردن‌را یاد میدهند.

کسیکه نغزک برارد؛ موی سرش‌را تراشیدن لازم است.

بیمار نغزک‌را درخانهٔ جداگنه خوابانیدن، و دران خانه کسان دیگررا راه ندادن، همیشه هوای آنخانه‌را تازه داشتن درکاراست. برای این گاه گاهی؛ تریزه هارا کشاده هوای تازه دراوردن بهتراست.

اگر هوا گرم باشد؛ همیشه تریزه‌هارا کشاده گذاشتن ممکن است. تازه بودن کورپه و بالین بیمار هم ضرور است. هموار بودن، پست بلند نشدن جایخواب بیمار نیز لازم است.

درجایکه بیمار خوابیده‌است؛ درآنجا آرام و آسوده‌گی‌را نگاهداشتن، آوازهای بلند نه براوردن، وبا خود بیمار بسیار گفتگو نکردن درکار است.

خویش، تباران بیمار که برای دیدن، و احوال پرسی میاید؛ بخانهٔ بیمار درامد نشان درست نیست.

اگر دراید؛ از یکسو بیماررا نا آسوده میکنند و از دیگر سو؛ کسلی بیماررا همراه خود بخانهٔ اشان میبرند. و این کسل‌را به آنانیکه درخانهٔ ایشان هستند؛ میگذرانند.

بیمار نغزك‌را لازم است که همیشه خوابیده باشد. ولی احتیاط درکار است که بیمار دائما؛ به یك پهلو نخوابد. بلکه ازرری نوبت؛ گاهی به پهلوی راست، گاهی به پهلوی چپ، گاهی به پشت خوابانیده شود.

دردهان بیمار هم نغزك برامده بدبوی میشود. به روی زبانش؛ مانند بلغم چیزی چرکین (کرش) چسپیده میایستد. اگر بیمار؛ هشیار باشد زود زود: دهانش‌را با آب تازه بشوید. برای این دربیش بیمار؛ یك ظرفی گذاشته شود که آب دهانش‌را درو؛ اندازد. اگر بیمار؛ ازهوش رفته باشد؛ باید که بیماردار؛ هر زمان پخته ویا؛ لتتهٔ تازه‌ئی‌را به آب ترکرده دهان و زبان بیماررا پاکیز نماید. ازبرای اینکه نغزکهای درون دهان بیمار آزررده نگردد؛ به آهسته‌گی پاکیزه کردن درکار است.

برای پاکیزه کردن های بیمار؛ بایدکه دریك ئسته‌کان آب شیر گرم؛ یك چای قاشوق «بورنی

کیسله‌ته» انداخته، آمیخته با همین آب؛ دهان بیماررا شسته و پاکیزه کرده شود. با همین آب چشم‌های بیماررا هم پاکیزه کردن ممکن است. ولی با پختهٔ تازه و دست پاکیزه با کمال احتیاط شستن و پاکیزه کردن درکار است.

ازبیمار باید که دائما خبردار باشند، هرگزبدنش را خاریدن نمانند. دست‌های بچه‌گن نغزکدارا بسته ماندن ممکن است.

زیرا؛ هر قدریکه جای نغزك‌را خاریده شود؛ همانقدر چرکهای آن بروی بدن پهن شده نغزك بسیار تر میبراید. و بروی بیمار چقورچه‌های بسیار پیدا میشود.

گاهی میشودکه بیمار نغزك ازبیهوشی فریاد میکند، و ازجایش جهیده میخیزد. ازخانه بیرون رفتنی میشود. درچنین زمانها درنزد بیمار يك آدم نگاهبان ماندن درکار است.

بیمار نغزك‌را با خوراکهای سبك پرورش کردن ضرور است. خوراکهای بهتر شیر، شولهٔ آبدار خوب پخته‌گی، شیرچای، نان سفید، سوخاری، تخم تازهٔ نیم دمبل، شوربای مرغ، سیب با آتش پخته‌گی و

مانند اینها میباشد. درهر روزی دو؛ یاسه بار خوراک دادن درکار است. بسیار سیر کنانیدن بیمار خوب نیست. زیراکه معدهٔ آن نغزکار نمیکند.

ازبرای نوشیدن بیمار چای؛ شیر، آب جوشاندهگی دادن ممکن است. بیمار نغزک همه وقت تشنه میشود. به او؛ هر وقت چیزهای آبکی دادن بهتراست.

بیمار نغزک‌را چنان باید نگاهداشت که کسل آن بکسان در دورش بودهگی نگذرد. تاکه ازآنها بدیگران گذشته درمیانهٔ همهٔ مردمان پهن نگردد.

درجایی که نغزک یا مانند آن یک کسل میگذشتهگی پیدا شد؛ بایدکه هرچه زودتر دکتوررا آورده آدمان درآنجا بودهگی‌را، مردمان گذر و قشلاقی که دردور آنجا باشند؛ همه‌را نغزک بکارند. ازاین کسل راه رهایی همین است، ببالای این؛ چارههای دیگررا هم دیدن درکار است:

بیمار نغزک؛ باید که درخانهٔ تنها بخوابد. کسانیکه درنزد بیمار باشند؛ بخانه دیگر بگذرند. چیزهایی که درخانهٔ بیمار باشد؛ همچنان بجایش بگذارند. و از جایش نجنبانند. لباس، پلاس، کورپه بالینی که باشد؛ نیز بایدکه درجایش بماند.

به بیمار نغزك؛ همهٔ آدمان حویلی نگاه‌بین نکنند. بلکه این کار به یك ویا دو کس سپارپده شود. دیگرشان به آنها یارمندی نمایند.

کسیکه بخانهٔ بیمار خوابیده‌گی درامده میبراید: بایدکه بخانهٔ دیگر و بخانهٔ همسایه‌گان ندراید. اینچنین بخانه‌ئی که کسل خوابیده است، بجز دکتور و بیمار دار کس دیگری بایدکه ندراید.

گربه وسگ برین خیوانهای خانه‌گی‌را هم دران خانه درامدن نمانند. چونکه اگر آنها کسل بیمار گذرد؛ ازآنها بکسان دیگر گذشتن ممکن است.

کسانیکه بیمار داری میکنند؛ باید که هر طرف‌را پاکیزه نگاهدارند. ازکاسه و طبق بیمار چیز نخورند، ببالای جایخواب بیمار ننشینند، به دهان و نغزکهای بیمار دست نرسانند.

درپیش خانهٔ بیمار؛ بایدکه همیشه آب و صابون آماده باشد، بیماردار هر کاریکه کردنی شود؛ (مثل دهان بیماررا پاك کردن، با چیزخورانیدن) بایدکه اولادست خودرا با آب و صابون بشوید و بدستمال تازه‌ئی دستش را پاك و خشك نماید. پس ازانکه کارش‌را کرده شد؛ باز دستش را بشوید وپاك کند.

بیماردار وقتیکه بخانهٔ بیمار درآمده کار میکند؛ جامهٔ دیگری بپوشد، زمانیکه ازکار فارغ شده براید؛ آنجامه‌را ازتن برار و بسیار خوب میشود.

برای ریختن آب دهنش وافگندن بلغمش؛ درنزد بیمار البته یك ظرف ماندن لازم است. اگر آدم بیمار درهر در و دیوار؛ آب دهان و بلغم خودرا اندازد؛ بهمهٔ چیزها کسل اوگذشته و ازآنچیزها به آدمان دیگر گذشتن کسل؛ ممکن‌است.

خانه‌ئی‌راکه بیمار خوابیده‌است؛ روفتن درست نیست. چونکه دروقت روفتن گردچنگ بر خاسته به نغزکهای بیمار بسیار زیان میرساند. و ممکن استکه کسلیٔ نغزك؛ با آن گردها باهم شده بهمهٔ خانه‌ها پهن گردد.

در و دیوار؛ هم روی خانه‌را، کت وکرسیٔ درانخانه بوده‌گی‌را آهسته آهسته به یك پارهٔ سوف یا کرباس؛ پاکیزه کردن ممکن‌است.

وقتیکه بیمار نغزك؛ سلامت وتندرست شد؛ جراحت و چرکهای بدنش هیچ نماند؛ بایدکه تمام بدن او با آب و صابون پاکیزه‌شسته شود، لباسها تازه پوشانیده شود. ازین پس؛ تازه کردن خانه و چیزهای خانهٔ اورا باید سرکرد. ازروی فرمودهٔ دکتور؛ همهٔ

آنهارا «دیزینفکسیه» (بواسطهٔ دارو و بوغ تازه‌کردن) کردن درکاراست. اگر دیزینفیکسیه ممکن نگردد؛ بایدکه همهٔ چیزهای آنخانه‌را به یك جای دوربرده؛ لباسها، کورپه، بالین هارا به آب انداخته جوشانند. پس با صابون بشویند، و به‌آفتاب خشك نمایند. ظرفهارا نیز به‌آب جوشانده به آفتاب خشك کنند. دیگر لتته پاره‌های مانده‌گی‌را بسوزانند. روی‌خانه‌را پاکیزه‌شستن، درودیوار و سقفش‌را رنگ کردن درکاراست. اگرممکن باشد یکچند وقت درآنخانه ننشستن بهتراست.

کسیکه درشکنجهٔ نغزك؛ فتادن‌را نمیخواهد؛ برای او؛ بهترین چاره این‌است‌که نغزك بکاراند.

۷

کاریدن نغزك

برای دفع نغزك؛ داروی «نغزك کاری»را اولین بار؛ کسیکه یافت «جنیز» نام یك دکتور انگلیز بود. بسبب آنکه این دارورا یافته است؛ جنیزرا «دوست آدمیت» مینامند. براستی‌که دکتور؛ بیافتن این داروی نغزك کاری؛ درجهان آدمیت خدمت بزرگی نموده‌است.

اینزمان درمملکت هایی‌که نغزك کاری عمومی شده‌است؛ کسلیٔ نغزك روی بکمی آورده ایستاده‌است.

دکتور جنیز؛ دانست که ماده گاوها نیز نغزك میبراند. پس از آزمایشهای بسیار دانست که از آبهای نغزکهای ماده‌گاو؛ دربدن هر کسیکه کاریده شود؛ آنکس به کسل نغزك گرفتار نمیگردد.

پس ازکاریدن نغزك یکدو دانه نغزك برامده چرك وریم کندهم بیکدو هفته تمام شده میرود.

امروزها برای دفع نغزك؛ با «دیتریت» (تخم نغزك) تمام یك دارو؛ نغزك میکارند.

دیتریت چیست؟

دیتریت: گوساله‌ئی‌که نغزك براورده باشد؛ ازچرك و ریم نغزکهای آن گرفته با «کلیترن» و دیگر داروها آمیخته بیك شیشهٔ مخصوص نگاهداشته‌گی یك دارو میباشد.

جاییکه دیتریت را درست میکنند؛ «له‌به‌ره‌توریه» (عملیات خانه) میگویند. ازولایتهای اوزبیکستان درتاشکند دیتریت را درست میکنند. و از آنجا بهمهٔ ولایتها میفرستانند.

نغزك کاری را دکتورها و فیلدشرها، و زنهایی که این کاررا نیکو آموخته اند؛ کرده میتوانند.

به هر یك طفل نوزار؛ میبایدکه همان سال اولین عمرش نغزك بکارند. کسانی‌که درزمان بچه‌گی نغزك نکارانیده بزرگ شده اند؛ نغزك کارانید نشان درکار است.

بکسیکه یکبار نغزك کاریده شده است؛ پس ازگذشتن هفت ساك یاده سال؛ باردوم هم نغزك کاریدن لازم است.

حکومت شورائی همچنان یك قانونی برپاکردکه: بر هر یك کس درتمام عمرش سه‌بار نغزك کاریدن لازم است. بار یکم؛ سال اول باردوم: سال یازدهم. بارسوم سال بیست یکم.

کسیکه یکبار نغزك براورده باشد؛ نغزك نکاراند هم میشود. زیراکه آنکس دوباره نغزك نمیبرارد.

ازبرای دفع نغزك، کارا نیدنش هیچ وقت زیان نمیارد. بلکه ازکسلیء نغزك دراماں میدارد.

هیچ یك کس‌را روا نیست‌که برای خودش و فرزندانش؛ نغزك کاری‌را فراموش کند. چونکه بسبب همین نغزك کاری؛ همهء عائیله‌اش و آدمان محله اش‌را؛ ازین بیماریء بمیناك رهایی میدهد.

نمره	نام کتابها	چاپ چندم	جلد چندم	مؤلفش	ترجمه‌کی	قیمتش		ملاحظات
						صوم	تین	
	II ادبیات نفیس							
1	ادبیات سرخ	II	—	لاهوتی	—	1	20	از چاپ برآمده است
2	کریمیل و ربلعیات	II	—	„	—	—	35	„
3	نمونهٔ ادبیات تاجیک	I	—	س. عینی	—	3	—	„
4	سرگذشت تاجیک کمبغل یاکه آدینه	I	—	„	—	—	—	بزودی از چاپ میبراید
5	بچه‌کان کوچه یاکه وفا	I	—	ذمنی	—	—	—	„
	III کتابهای سیاسی واجتماعی							
1	کارگران اتفاق برای ساختمان تاجکستان چگونه یارمندی میکنند	I	—	ڈلاوداتسکی	بهرامی	—	—	بزودی از چاپ برخواهدآمد
2	سواد سیاسی ابتدائی برای کامسامول	I	—	برانین	—	—	—	بزودی چاپ میشود
3	سواد سیاسی مختصر برای اعضایان فرقه . . .	I	—	پراتاسف	ع. عرفان	—	—	„
4	سیاست فرقه در دهات	I	—	نیکولیخین	موسوی	—	35	از چاپ برآمده است
5	الفبای سواد سیاسی برای مکتب قشلاق . . .	I	—	مالچادسکی	—	—	—	بزودی از چاپ خواهد برامد
6	قرارهای انجمن چهاردهم	I	—	بیلیزارف	بیکتاش	—	26	از چاپ برآمده است
7	قرارهای کنفرینس پانیزدهم	I	—	الیپاف	اسماعیل زاده	—	39	„
8	اوستاف وپروگرام فرقه	I	—	—	—	—	60	„
9	اوستاف و پروگرام جوانان	I	—	—	—	—	40	„
10	ماميئت‌های (آنهای) ملیت درساختمان فرقه ودولت	I	—	استالین	—	—	—	بزودی چاپ میشود
11	ترجمهٔ حال و. ا. لنین	I	—	خاداراوسکی	اسماعیل زاده	—	23	ازچاپ برآمده‌است
12	اجتماعیات	I	—	بهرامی	منظم	—	—	„
	IV کتاب‌های حفظ‌الصحت							
1	درد خارش و مبارزهٔ با او	I	—	—	—	—	—	„
2	پیس و مخو چیست؟	I	—	—	—	—	—	„
3	مصلحت بمادران	I	—	—	—	—	—	„
4	تیف (کلتهٔ)	I	—	—	—	—	15	„
5	کسلهای گذرنده	I	—	—	—	—	—	„